



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۰۹

نویسنده گان: ریاض احمد گنایی و مظفر احمد گنایی

مترجم: سیف قاضي زاده

سیاست هند در مورد افغانستان تلاش برای فضای ستراتژیک پس از خروج ایالات متحده ارتباطات علوم انسانی و اجتماعی جلد 9، شماره مقاله: 462 (2022)

خلاصه:

این مقاله سعی دارد سیاست خارجی هند در قبال افغانستان را در دوران پس از 11 سپتامبر به تحلیل بگردید. در حالی که حملات 11 سپتامبر آغاز یک دوره جدید در سیاست جهانی بود، مداخله نظامی به رهبری ایالات متحده در افغانستان فرصت خوبی مورد نیاز هند را برای برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با کابل فراهم کرد. از آن زمان، هند در رویکرد خود در قبال افغانستان با تکیه بیشتر بر اقدامات سیاست خارجی کمک محور به جای درگیر شدن نظامی در این کشور جنگ زده، محتاطانه باقی مانده است. با این حال، این سوال باقی می ماند که با توجه به این واقعیت که هند در ماه اگست 2021 و زمانی که طالبان کنترل این کشور را دوباره به دست گرفتند، هند مجبور شد سفارت و کنسولگری خود را در افغانستان تعطیل کند، هند تا چه حد توانسته است فضای ستراتژیک برای خود در افغانستان ایجاد کند؟ آیا سیاست هند به تاحدی متکی به قدرت نرم بوده که هند نتوانست از فرصت ایجاد شده توسط سرنگونی رژیم طالبان در اواخر سال 2001 استفاده کند؟

درگیری در افغانستان، مروری تاریخی:

افغانستان قریب به چهار دهه است که قربانی درگیری های طولانی مدت بوده است. علل مناقشه در افغانستان اساساً در این دوره متفاوت بوده است. در سال های آغازین آشوب، افغان ها با اتحاد شوروی و تسونامی کمونیسم درگیر شدند. دوران اخیر خشونت عمدتاً با پدیده ظهور ستیزه جویی اسلامی همراه بود که تأثیرات آن از مرزهای افغانستان فراتر رفته است. درگیری در افغانستان، کشوری که در چهار راه جنوب، جنوب غربی و آسیای مرکزی قرار دارد، در یک دوره زمانی، پیامدهای خود را در سراسر منطقه آشکار کرده است. اما مهم ترین ها در میان این نتایج، تشدید افراطگرایی مذهبی در داخل و اطراف افغانستان است که صلح و ثبات را در کل منطقه تهدید می کند. ویژگی بارز درگیری در افغانستان طی این مدت، صدور افراطیت مذهبی از پاکستان («صدر» بنیادگرایی مذهبی به همسایگان، آسیای جنوبی، سین کیانگ چین، آسیای مرکزی و ازبکستان) بوده است.

چنانچه اشاره شد، همسایگان افغانستان نیز نقش خود را در دامن زدن به ناآرامی ها و آشفتگی ها در این کشور ایفا کرده اند و منافع متضاد آن ها در قبال افغانستان نیز بدون شک به ضرر برقراری صلح پایدار در این کشور بوده است. افغانستان در نقطه مقابل رقابت میان همسایگان منطقه ای (بخصوص پاکستان - هند) خود قرار گرفته که در گذشته نیز از رقابت بین قدرت های بزرگ استعماری (بریتانیا و روسیه تزاری) آسیب دیده است. همه این عوامل در مجموع، ترسیم تاریخ مدرن با میزان قابل توجهی از خودمختاری و عدم مداخله قدرت های منطقه ای یا هژمون های جهانی برای افغانستان بسیار دشوار کرده است. رابطه حامی و مشتری که جناح های سیاسی و قومی افغانستان با قدرت های خارجی از آن برخوردار بودند، همیشه یک بعد بین المللی برای معمای افغانستان ایجاد می کرد و مداخله خارجی همواره به تشدید درگیری در افغانستان منجر می شد.

درگیری امروز در افغانستان را می توان از نقطه نظر حملات 11 سپتامبر به ایالات متحده توسط القاعده بررسی کرد. این حملات، آشفتگی داخلی در افغانستان را به یک نگرانی شدید امنیتی برای کل جهان، به ویژه غرب

د پانو شمیره: له 1 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

تحت رهبری ایالات متحده، که به صراحت رهبری القاعده را عنوان دشمن اصلی خود اعلام کرد، تبدیل شد (رهبر القاعده بعد از قریب شش سال زندگی در پاکستان، در 2 مه 2011، در محل اقامت خود در شهر ابوت‌آباد پاکستان، توسط قوای بحری ایالات متحده امریکا هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. این عملیات را سازمان مرکزی استخبارات نظامی امریکا پیش‌برده شد و با نام رمز عملیات نپتون بود). ظهور طالبان پیش از 11 سپتامبر نیز نگرانی‌هایی را در غرب ایجاد کرده بود، اما نگرش محافظه‌کارانه و نگاه وحشیانه آنها نسبت به زنان مسائلی بود که در مرزهای افغانستان محصور شد. آنچه رژیم طالبان را به یک جنس منحوس برای غرب تبدیل کرد، وابستگی فزاینده آنها به القاعده بود که طرح‌های تروریستی آن از مرزهای افغانستان فراتر رفت و شواهد آن در قالب فاجعه و حملات هولناک 11 سپتامبر به دست آمد. این حملات از آن جهت دگرگون‌کننده بود که افغانستان (حکومت طالبان) در جنگ امریکا علیه تروریسم بین‌المللی (GWoT - Global War on Terrorism Service Medal) مقابل ایالات متحده قرار گرفت.

این دقیقاً نقطه‌ای است که نقش پاکستان در برابر افغانستان برجسته‌تر شد. پاکستان از روزهای اول تسونامی کمونیزم (شورش مردم علیه رژیم تحت حمایت شوروی)، به شیوه‌های پیچیده‌ای در سیاست داخلی افغانستان درگیر بود. پیامدهای حملات 11 سپتامبر پاکستان را مجبور کرد تا به عنوان یک کشور خط مقدم و متحد اصلی ایالات متحده در افغانستان غیر از ناتو ظاهر شود. در آن روزها نظر رایج این بود که، حمایت پاکستان برای محافظت و نجات افغانستان از دست گروه طالبان و القاعده ضروری است. پالیسی رسمی پاکستان حاکی از آن بود که این کشور حمایت خود از طالبان را کنار گذاشته و به ایالات متحده کمک خواهد کرد تا افغانستان را وارد عصر دموکراسی، بازسازی و توسعه کند. با نگاهی به گذشته، اکنون قابل لمس است که، پاکستان به همان اندازه که بخشی از مشکل بوده و هرگاه راست راه میرفت راه حل آن نیز شده می‌توانست. سیاست پاکستان برای کمک به ایالات متحده در از بین بردن تهدید تروریستی ناشی از منطقه (آف - پاک) در بهترین حالت انتخابی باقی ماند. بی‌میلی پاکستان به انطباق با یک سیاست استندرد و یکسان ضد تروریستی منجر به طولانی شدن درگیری در افغانستان شد. عدم تمایل پاکستان برای خنثی کردن شورش به رهبری طالبان، دلیل اساسی درگیری پایان‌ناپذیر در افغانستان شد، که به نوبه خود، کمپاین تحت رهبری ایالات متحده در افغانستان را ناکارآمد و تمرینی بیهوده جلوه داد. موفقیت کمپاین افغانستان در تمام مدت به گروگان نهاد امنیتی (سازمان استخبارات نظامی) پاکستان بود که افغانستان را "حیات خلوت ستراتژیک پاکستان" می‌دانست و به طالبان به عنوان یک دارایی مناسب برای کنترل آن نگاه می‌کرد. پاکستان چنان بی‌امان برای حفظ طالبان باقی مانده بود که ایالات متحده و متحدانش در ناتو هیچ گزینه دیگری جز اعلام جدول زمانی عقب‌نشینی نداشتند، زیرا برای آنها آشکار شد که تلاش برای شکست طالبان و القاعده بدون جلب نظر پاکستان حمایت از تمرینی بیهوده بود که بر درمان علائم مشکل تروریسم (در افغانستان) و دست‌نخورده ماندن علت و منبع بیماری (در پاکستان) متمرکز بود. بنابراین، درگیری در افغانستان هنوز حل نشده باقی مانده که پاکستان در همه این درگیری‌ها نقش اساسی داشته است. در حالی که ایالات متحده و متحدان غربی اش افغانستان را در سال 2021 رها کردند، این کشور هنوز با مجموعه‌ای از چالش‌های بزرگ دست و پنجه نرم می‌کند. اینها عبارتند از: محیط امنیتی ضعیف، وابستگی شدید به سرمایه خارجی، رشد اقتصادی اسفناک، شکاف اجتماعی و قومی در حال گسترش، و مهمتر از همه، یک رژیم بنیادگرا اسلامی که اکنون در راس امور قرار دارد. همه این چالش‌ها به یک وظیفه دشوار برای افغانستان اشاره دارد تا خود را به عنوان یک کشور با ثبات و صلح‌آمیز حفظ کند. هیچ‌کس نمی‌تواند پیشرفت ملموسی را که افغانستان در جریان حضور ماموریت تحت رهبری ایالات متحده در افغانستان بدست آورده است انکار کند، با این حال بیم آن می‌رود که بازگشت طالبان به عنوان رژیم بالفعل زمینه را برای معکوس کردن این دستاوردها فراهم کند. در صورت بروز چنین وضعیتی، افغانستان می‌تواند دوباره به سناریوی افتضاحی شبیه هرچ‌ومرج و بی‌نظمی در رژیم قبلی طالبان و سال‌های جنگ داخلی 1992 - 1996 برود.

روش‌شناسی و چارچوب نظری:

در این مقاله از یک رویکرد کیفی برای تحلیل سیر تحول سیاست خارجی هند در قبال افغانستان استفاده می‌شده است. این مقاله تلاش می‌کند تا بررسی کند که سیاست هند در افغانستان چگونه دستخوش تغییر شد و چه عواملی داخلی، ساختاری و فردی باعث این تغییر شده است. به منظور توضیح سیر تحول سیاست خارجی هند در قبال افغانستان، این مقاله بر منابع اولیه و ثانویه تکیه دارد. منابع اولیه شامل بیانیه‌های رسمی صادر شده توسط دولت‌ها، متن معاهدات امضا شده و نظرات و اظهارات اعضای رژیم‌های حاکم در این دو کشور است. منابع ثانویه به ویژه شامل مقالات علمی، تفسیرها و اخبار است که به طور گسترده با موضوع روابط هند و افغانستان

مرتبط است. خط السیر روابط هند و افغانستان در چارچوب نظری، طبق نظریه نئورئالیستی در روابط بین الملل بررسی شده است. نئورئالیست‌ها، به‌ویژه کنت والتز، استدلال می‌کنند که دولت‌ها، به‌عنوان بازیگران منطقی، تنها پس از ارزیابی قابلیت‌های خود و دیگران، رفتار خاصی دارند. نئورئالیسم معتقد است که در یک محیط هرج و مرج، دولت‌ها به حال خود رها می‌شوند که در آن خودیاری تنها وسیله ای است که در دسترس آنهاست تا بقای خود را حفظ کنند و سایر منافع ملی را به دست آورند. قرار دادن این مقاله در چارچوب نئورئالیستی به درک منطق پشت تلاش هند برای به دست آوردن نفوذ در افغانستان کمک می‌کند، زیرا روابط صمیمانه با کابل همواره از سوی دهلی نو به عنوان ابزاری برای جلوگیری استفاده پاکستان از خاک افغانستان بر ضد هند تلقی شده است. از آنجایی که نئورئالیسم، مانند رئالیسم کلاسیک، معتقد است که درگیری عنصر اساسی سیاست بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، درک ظهور رقابت هند و پاکستان در افغانستان حتی ساده‌تر می‌شود. از آنجایی که هند و پاکستان از همان ابتدا رابطه خصمانه‌ای با یکدیگر دارند، این رقابت در افغانستان نیز خود را نشان داده است.

نجات فضای از دست رفته: سیاست هند در افغانستان بعد از 11 سپتامبر؛

اغلب ادعا می‌شود که روابط هند و افغانستان قبل از ظهور هند به عنوان یک دولت-ملت مستقل است. در طول قرن‌های گذشته، هند (یا به‌طور دقیق‌تر، مناطقی که اکنون مجموعاً هند را تشکیل می‌دهند) و افغانستان پیوندهای اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای داشته‌اند. هند بلافاصله پس از کسب استقلال، ابتکار عمل را برای حفظ روابط خود با افغانستان به دست گرفت. این امر با امضای پیمان دوستی در 4 جنوری 1950 (معاهده دوستی بین دولت هند و دولت سلطنتی افغانستان، 1950) انجام شد. این معاهده تعهد به صلح و دوستی ابدی بین دو کشور را "با در نظر گرفتن منافع مشترک مردم و توسعه کشورهای متبوع خود" پیش بینی کرد (وزارت امور خارجه، دولت هند، 2015). این معاهده شالوده‌ای محکم برای روابط قوی و صمیمانه بین دو کشور ایجاد کرد. بنابراین، هند از روابط دیپلماتیک عالی با تمام دولت‌های افغانستان، از ظاهر شاه گرفته تا رژیم‌های متوالی، از جمله رژیم‌هایی که پس از تهاجم شوروی در دسامبر 1979 در کشور ایجاد شد، برخوردار بود.

عامل دیگری هم وجود دارد که به تحکیم روابط هند و افغانستان در کمک کرد. زمانی که پاکستان پا به عرصه وجود گذاشت، روابط دهلی نو و کابل به دلیل اختلافات ارضی هر دو کشور با اسلام آباد تقویت شد. علاوه بر این، مخالفت کابل با موضع پاکستان در مورد مناقشه کشمیر روابط هند و افغانستان را تقویت کرد. هند حتی در دهه پراشوب جنگ ضد شوروی به کمک به افغانستان ادامه داد. هند نفوذ خود را در افغانستان از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های توسعه‌ای از جمله پروژه‌های آبیاری، زراعتی و برق آبی حفظ کرد.

با این وجود، دهه مداخله شوروی شاهد نوسان سیاست هند در افغانستان بین اصول عدم تعهد از یک سو و اشتیاق به دست آوردن اهرم جیوپولیتیک از سوی دیگر بود. هند در ابتدا با مداخله شوروی در افغانستان مخالفت کرد و خواستار خروج نیروهای شوروی از افغانستان شد. با این حال، هند با درک این موضوع که خروج شوروی به دلیل صعود گروه‌های مجاهدین تحت حمایت پاکستان در افغانستان، در خدمت منافع پاکستان خواهد بود، تصمیم گرفت از قطعنامه‌های کلیدی سازمان ملل که خواستار خروج کامل شوروی از افغانستان می‌شد خودداری کند. بنابراین، هند تصمیم گرفت که چشم خود را بر اشغال افغانستان توسط شوروی بیند، زیرا می‌ترسید که پیروزی مجاهدین در افغانستان به پاکستان در به دست آوردن اهرم‌های جیوپولیتیک بیشتر در منطقه کمک کند (شارما، 2011). علاوه بر این، مقیاس کمک‌های نظامی از جانب ایالات متحده به پاکستان و بستن چشم ایالات متحده به برنامه مخفیانه تسلیحات هسته‌ای اسلام آباد، سیاست هند در افغانستان را در طول آن دهه شکل داد. نگرانی اصلی هند احیای پیوندهای امنیتی ایالات متحده با پاکستان بود، هند مدعی بود که این کمک‌ها می‌تواند توازن طبیعی قدرت در منطقه را به نفع اسلام آباد تغییر دهد. هند تنها کشور خارج از بلوک پیمان ورشو بود که روابط صمیمانه‌ای با رژیم‌های تحت حمایت شوروی در افغانستان داشت (رئیس، 1993). واقعیت‌های جیوپولیتیک به جای شعارهای عدم تعهد، سیاست هند در افغانستان را در آن دهه هدایت کرد.

حتی پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و متعاقب آن سقوط حکومت نجیب الله (آخرین رژیم مستقر طرفدار شوروی)، هند توانست نفوذ خود را با گرم نگاهداشتن با نظام جدید تحت رهبری مجاهدین در کابل حفظ کند. با توجه به اینکه افغانستان اکنون تحت کنترل مستقیم مجاهدین بود، که پیوندهای عمیقی با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی پاکستان داشت، هند سیاستی بسیار منحصر به فرد، هرچند بدون اصول، برای حفظ روابط خود با افغانستان اتخاذ کرد. اصول اساسی این سیاست توسط نراسیمها رائو، نخست‌وزیر وقت هند تعیین شد و تا زمان

ظهور رژیم طالبان در سال 1996، سنگ بنای سیاست هند در قبال افغانستان باقی ماند. این سیاست بر پنج عنصر کلیدی استوار بود:

- 1- هند باید با همه گروه‌های مجاهدین بدون ترس یا لطف برخورد کند و با هر کسی که مایل به دیدار با هند است، علی‌رغم ستیزه‌جویی اسلام‌گرایی‌شان، تماس برقرار کند.
- 2- هند "با هر کسی که در کابل قدرت را در دست داشته باشد، برخورد خواهد کرد و تمرکز دهلی نو بر ایجاد یک دولت دوستانه است که نسبت به منافع و نگرانی‌های حیاتی هند حساس باشد."
- 3- هند "بدون توجه به نزدیکی آن با پاکستان یا آژانس‌های امنیتی آن، با دولت در کابل برخورد خواهد کرد."
- 4- هند "به هیچ گروه مجاهدین سلاح نمی‌دهد و هند هیچ گروهی را نیز طرف نمی‌کند."
- 5- هند بر کمک به رفاه اقتصادی افغانستان در چارچوب توانایی‌ها و منابع خود تمرکز خواهد کرد (بهادر اکومار، 2011).

در حالی که این سیاست با هدف هدایت بی‌نظمی و بلا تکلیفی در افغانستان در آن زمان بود، مطمئناً به آرمان هند کمکی نکرد، زیرا خشونت و درگیری‌های داخلی میان جناح‌های مختلف مجاهدین فضای کمی برای تعامل معنادار بین دهلی نو و کابل باقی نگذاشت. در واقع، هند مجبور شد چندین بار سفارت خود را به دلیل گلوله باران شدید در کابل و اطراف آن ببندد. روابط هند با ظهور طالبان در سال 1996 کاملاً متوقف شد.

صعود طالبان با چنین سرعت و موفقیت نشان‌دهنده ناراحتی خود پاکستان از درگیری‌های پایان‌ناپذیر در افغانستان بود. آنچه پاکستان از طالبان می‌خواست پایان دادن به درگیری چند ساله بین جناح‌های مختلف مجاهدین بود تا یک افغانستان بانظم زمینه را برای دسترسی به کشورهای غنی از منابع آسیای مرکزی غرض سرمایه‌گذاری فراهم کند. تحت رژیم طالبان، هند هر نفوذ اندکی را که در طول سال‌های جنگ داخلی قبلی حفظ کرده بود، از دست داد. دوره طالبان یک سیاه‌چاله دیپلماتیک در تاریخ روابط هند و افغانستان را رقم زد (پالیوال، 2015).

پس از سرنگونی طالبان در اواخر سال 2001 توسط ائتلاف به رهبری ایالات متحده در پاسخ به حملات 11 سپتامبر، هند به سرعت روابط دیپلماتیک خود را با افغانستان تجدید کرد. بلافاصله پس از اینکه کرزی زمام امور افغانستان را به دست گرفت، جاسوانت سینگ وزیر امور خارجه هند برای شرکت در مراسم تحلیف دولت موقت و بازگشایی سفارت هند که در آستانه تصرف کابل توسط طالبان در سال 1996 بسته شد، به کابل رفت. از آن زمان، روابط هند با افغانستان به طور قابل توجهی بهبود یافت و تعدادی از عوامل تجدید و تجدید روابط دیپلماتیک دوجانبه را تسهیل کرد. اولاً، هند سیاست افغانستان پس از 11 سپتامبر را کاملاً با اصول مقرر در توافقنامه بن 2001 هماهنگ کرد. بر خلاف پاکستان، روابط هند و افغانستان به دلیل وجود مرزهای متقابل و مورد مناقشه با مشکل مواجه نشد. ثالثاً، هند توانست حمایت رسمی دولت کابل را جلب کند، زیرا اکثریت از اعضای اتحاد شمال، که هند در اواسط دهه 1990 از آن حمایت می‌کرد، به عضویت دولت موقت درآمدند و 70 درصد پست‌های کلیدی با نفوذ را در دست داشتند (پانت، 2011).

هند با اجتناب از هر نوع درگیری نظامی، «رویکرد قدرت نرم» را در قبال افغانستان با تمرکز بر مسائل غیرنظامی به جای مسائل نظامی اتخاذ کرد. با آغاز به کار دولت موقت به رهبری حامد کرزی، نخست‌وزیر الف. واجپایی بلافاصله از کمک 100 میلیون دلاری برای بازسازی افغانستان خبر داد. از سال 2001، هند در حال حاضر بیش از 3 میلیارد دلار در پروژه‌های مختلف متعهد شده است که به عنوان پنجمین کمک‌کننده دوجانبه به افغانستان ظاهر شده است (Business Standard, 2018). کمک‌های هند عمدتاً به سمت آموزش، صحت و فعالیت‌های مرتبط با زیرساخت‌ها بود. این سیاست غیرنظامی محور به تقویت اعتماد متقابل بین دهلی نو و کابل کمک کرد. نگاهی به نظرسنجی‌های عمومی در افغانستان تصویر مثبتی را که هند در میان مردم عادی افغانستان به دست آورد، نشان می‌دهد. در میان افغان‌های محلی، کمک و سرمایه‌گذاری هند در ایجاد تسهیلات اولیه مانند مدارس، شفاخانه‌ها و ترانسپورت باعث افتخار این کشور شده است و بنابراین در سراسر افغانستان مثبت دیده می‌شود. به طور خاص، هند شاهراه 218 کیلومتری را که شهر زرنج را در نزدیکی مرز ایران به دلارام در شمال شرق افغانستان وصل می‌کند، با وجود حملات دوره‌ای به کارکنان سازمان راه‌های مرزی (BRO) با موفقیت ساخته است. هند همچنین نقش مهم و قابل ستایشی را در ساخت جاده‌هایی ایفا کرده است که ارتباط افغانستان با بنادر ستراتژیک را بهبود بخشیده و در نتیجه وابستگی کابل به پاکستان را کاهش داده است. هند همچنین توانسته است ارتباط افغانستان با بندر چابهار ایران را افزایش دهد که منجر به کاهش غیرمستقیم وابستگی افغانستان به بنادر گوادر و کراچی پاکستان شده است. تلاش هند برای توسعه بندر چابهار در ایران نیز مبتنی بر این واقعیت است که هند را با مناسب‌ترین گزینه برای دسترسی به افغانستان فراهم

می‌کند، زیرا پاکستان بارها از ارائه ترانزیت زمینی به کالاهای هندی که از طریق خاک خود به مقصد افغانستان می‌رود، خودداری کرده است. (بهاتناگار و جان، 2013). در جولای 2013، عمار سینها سفیر هند در افغانستان خاطر نشان کرد که هند به توسعه بندر چابهار کاملاً متعهد است زیرا بهترین گزینه برای ترانزیت کالاهای هندی به افغانستان است. هند در سال 2012 از این بندر برای ارسال کمک های بشردوستانه به افغانستان استفاده کرد و نشان داد که دسترسی از طریق راه دریایی به افغانستان از طریق پاکستان تنها گزینه در دسترس هند در دراز مدت نیست (مولن و گانگولی، 2012). علاوه بر این، هند وظیفه ساخت ساختمان جدید پارلمان افغانستان و ساخت پروژه بند دوستی افغانستان و هند (که قبلاً به عنوان بند سلما شناخته می شد) در هرات را انجام داد که از آنجا یک خط انتقال برق به کابل نیز ایجاد شده است. علاوه بر این، هند مؤسسه صحت اطفال آسیب دیده ایندی را با موفقیت بازسازی کرد و به طور منظم تیم هایی از داکتران را به هرات، مزار شریف و قندهار اعزام کرد تا به نیازهای پزشکی عظیم افغانستان رسیدگی کنند. هند همچنین سالانه 500 بورسیه تحصیلی به محصلین افغان تحت نظارت شورای روابط فرهنگی هند (ICCR) اعطا می کرد. سیاست های غیرنظامی محور هند در سطح رسمی و همچنین در میان مردم محلی مورد توجه گسترده و قدردانی عمیقی قرار گرفته است.

از سال 2001، چندین دیدار رسمی بلندپایه از هر دو کشور زمینه را برای همکاری نزدیکتر و تقویت شده بین دو کشور تقویت کرد. به عنوان مثال، هند و افغانستان در سال 2003 توافقنامه تجارت ترجیحی (PTA) را امضا کردند که هدف آن رفع تمام موانع بر سر راه افزایش تجارت و تجارت متقابل بود. این قرارداد هند را به یکی از شرکای تجاری اصلی خود در افغانستان و پنجمین منبع بزرگ واردات آن تبدیل کرد. به همین ترتیب، در سال 2005، زمانی که مانموهان سینگ، نخست وزیر هند با حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان در کابل ملاقات کرد، آنها در مورد گسترش همکاری های دوجانبه در زمینه های گسترده از جمله توسعه، دفاع، آموزش، انرژی، تجارت، مبارزه با تروریسم، و تلاش در جهت اقتصاد بیشتر به توافق رسیدند. و یکپارچگی فرهنگی جنوب آسیا سفر کاملاً به موقع نخست وزیر مانموهان سینگ، تنها سه هفته قبل از انتخابات پارلمانی سپتامبر 2005 در افغانستان، به تمایل هند برای تعامل ملموس و طولانی مدت در افغانستان اشاره کرد. نخست وزیر هند بر تعهد هند به روند بازسازی افغانستان تاکید کرد و متعهد شد که 50 میلیون دلار کمک مالی بیشتر به افغانستان خواهد کرد. علاوه بر اعلام 500 بورسیه تحصیلی برای محصلین افغان برای ادامه تحصیلات عالی در هند، هند همچنین اعلام کرد که صد (100) روستا را در افغانستان برای ترویج و تقویت توسعه یکپارچه روستایی با معرفی برق خورشیدی و برداشت آب باران با استفاده از فن آوری هایی که قبلاً ثابت شده است، اتخاذ خواهد کرد. هند همچنین از ورود افغانستان به سارک به عنوان یک عضو تمام عیار حمایت کرد (چاندر، 2007).

در 4 اکتبر 2011، هند و افغانستان توافقنامه مهمی را در مورد "مشارکت ستراتیژیک" امضا کردند که شامل مفاد همکاری امنیتی و اقتصادی، آموزش و تجهیز نیروهای امنیت ملی افغانستان، ارائه کمک ها و کمک های اقتصادی، توسعه معادن و تولید انرژی است. و ایجاد "گفتگوی ستراتیژیک" بین مشاوران امنیت ملی آنها برای ارائه چارچوبی برای همکاری در حوزه امنیت ملی (رایت و استانکاتی، 2011). این واقعیت که افغانستان برای اولین بار در منطقه چنین توافقنامه گسترده ای را امضا کرد، بر روابط دقیق و عمیق بین افغانستان و هند تاکید می کند.

☆☆☆

نخست وزیر هند، مانموهان سینگ، در مورد اهمیت تعامل مجدد هند با افغانستان و آمادگی هند برای کمک به افغانستان در آینده گفت: همکاری ما با افغانستان کتابی باز است. ما پیوندهای تمدنی داریم و هر دو اینجا هستیم تا بمانیم. هند در کنار مردم افغانستان خواهد ایستاد، زیرا آنها آماده می شوند تا مسئولیت حکومتداری و امنیت خود را پس از خروج نیروهای بین المللی در سال 2014 به عهده بگیرند» (لاکشمی، 2011). هند همچنین به طور گسترده در ایجاد ظرفیت های نهادی از طریق آموزش دیپلمات های افغان، داکتران طبي، امدادگران، کارآفرینان، وکلا، قضات و مقامات دولتی مشارکت داشت. دیدار بین مانموهان سینگ، نخست وزیر هند و حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان در نوامبر 2012 در دهلی نو انگیزه بیشتری برای مشارکت دوجانبه ایجاد کرد. هر دو رهبر بر لزوم تعمیق همکاری های اقتصادی در زمینه های مختلف از زراعت و تجارت کوچک گرفته تا معدن و زیرساخت توافق کردند. رئیس جمهور کرزی همچنین در مراسم تحلیف نارندرا مودی به عنوان نخست وزیر جدید هند در سال 2014 شرکت کرد.

تغییر دولت ها در دهلی نو و کابل به عنوان مانعی برای پیشبرد حسن نیت و صمیمیت حاصل از سال 2001 عمل نکرد. رئیس جمهور اشرف غنی در آوریل 2015 از هند بازدید کرد و مذاکرات گسترده ای با مقامات

هندي انجام داد. هر دو طرف "ابراز عزم خود برای همکاری با جامعه بین المللی برای مبارزه و شکست دادن هیولای تروریسم در همه اشکال و مظاهر آن" و همچنین "از جامعه بین المللی خواستند تا به شدت با پناهگاه های امن برای تروریست ها برخورد کند." برای تهدید امنیت منطقه ای و جهانی» (وزارت امور خارجه، دولت هند، 2015). نخست وزیر مودی در دسامبر 2015 یک سفر از پیش اعلام نشده از کابل داشت. ابتدا، مودی ساختمان پارلمان افغانستان را افتتاح کرد، که به عنوان "نماد حمایت هند از دموکراسی افغانستان و حمایت از بازسازی مدنی" تلقی می شد (حیدر، 2015). دوم و مهمتر از همه، هند چهار هلیکوپتر تهاجمی Mi-25 را به ارتش افغانستان تحویل داد. این امر به عنوان یک انحراف قابل توجه از سیاست قبلی هند تلقی می شد تا جایی که دهلی نو اکنون به روی ایده تامین تجهیزات نظامی تهاجمی به افغانستان باز شده بود. بدون شک روابط هند و افغانستان از زمان سرنگونی طالبان در اواخر سال 2001 تا زمانی که این گروه در اگست 2021 کنترل افغانستان را به دست آورد، شاهد فصل جدیدی کیفی بود.

بازگشت دوباره طالبان:

تمرین تقریباً دو دهه ای "دولت و ملت سازی" به رهبری ایالات متحده در افغانستان در 15 اگست 2021، زمانی که طالبان شهر کابل پایتخت را تصرف و دولت غیرنظامی به رهبری اشرف غنی را سرنگون کردند، بی نتیجه ماند. یک حس دژاوو در افغانستان وجود داشت، زیرا طالبان فتح کل افغانستان را با موفقیت به پایان رساندند، شبیه به تسلط قبلی آنها بر کشور در سال 1996. بسیاری از تحلیلگران مدت ها بدبینی خود را نسبت به توانایی نیروهای امنیتی افغانستان، عدم حمایت جنگی خارجی، برای تحت کنترل نگه داشتن تهدید طالبان ابراز کرده بودند. در 15 اگست 2021، کارشناسان در مورد افغانستان درک و توضیح اینکه چرا نیروهای امنیتی افغانستان در آشفتگی کامل به سر می برند و حتی نمی توانستند و حتی نمی خواهند درگیری مناسبی داشته باشند، دشوار بود. این بدان معناست که طالبان توانستند در برابر مقاومت اندک یا بدون مقاومت، دستاوردهای بزرگ ارضی به دست آورند.

کارزار حمله برق آسای طالبان به دلیل خروج نیروهای امریکایی از افغانستان استوار بود. اعلامیه پرزیدنت بایدن در 8 جولای 2021 مبنی بر اینکه ایالات متحده تمام نیروهای خود را تا 31 اگست 2021 خارج می کند، طالبان را تشویق کرد تا کمپین فتح خود را آغاز کنند. پیش از این، در آپریل 2021، رئیس جمهور بایدن 11 سپتامبر 2021 (بیستمین سالگرد حملات 11 سپتامبر) را به عنوان آخرین مهلت خروج نیروهای امریکایی تعیین کرده بود. با این حال، وخامت اوضاع امنیتی در افغانستان، دولت بایدن را مجبور کرد تا ضرب الاجل خروج نیروهایش را پیش ببرد. ایالات متحده خروج نیروهای خود را در 30 اگست 2021 تکمیل کرد و به بیست سال جنگ پایان داد که در نهایت با تسلط کامل کشور توسط دشمنی که ارتش ایالات متحده دو دهه در برابر آن جنگید به پایان رسید.

پرزیدنت بایدن، در حالی که دلیل عقب نشینی نیروهای امریکایی از افغانستان را توضیح می داد، استدلال کرد که "دیگر هیچ توجیهی وجود ندارد - اگر وجود داشته باشد - باور کنیم که حضور نظامی ایالات متحده می تواند افغانستان را به یک دموکراسی با ثبات تبدیل کند" (سنگر و برش، 2021). حضور 20 ساله ایالات متحده (و سایر کشورهای متحد) در افغانستان نه می تواند به ایجاد یک کشور قدرتمند و دموکراتیک کمک کند و نه می تواند شورش را که آن را مرده و منسوخ می دانست طرف چند ماه پس از آغاز مداخله ایالات متحده در اواخر سال 2001 شکست دهد. نتیجه نهایی این است که افغانستان همچنان تحت رژیم قرار دارد که رهایی از آن یکی از اهداف مداخله ایالات متحده در افغانستان بود.

در سال 1996، زمانی که طالبان شهر کابل را پس از درگیری های شدید با ائتلاف شمال سابق به تصرف خود درآوردند، هند به دنبال فضایی برای حفظ حوزه نفوذ خود در افغانستان بود. از آنجایی که هند در طول سال های جنگ داخلی قبلی با اتحاد شمال، متشکل از جناح های غیر پشتون (تاجیک ها، ازبک ها، هزاره ها) وارد یک رابطه کاری شده بود، ظهور رژیم طالبان برای ائتلاف شمال به یک کابوس تبدیل شد. طالبان در مورد مخالفت خود با هند صریح بودند، زیرا در طول سال های جنگ داخلی کاملاً آشکار شده بود که دهلی نو به گروه های ضد طالبان (که اغلب غیر پشتون بودند) پول و اسلحه را در اختیارشان قرار داده بود. به منظور جلوگیری از تصرف کابل توسط طالبان، هند پیوندهایی با ائتلاف شمال برقرار کرده بود تا امکان قرار گرفتن افغانستان تحت کنترل طالبان را که هند به عنوان نماینده نهاد امنیتی پاکستان می دید، نفی کند. پس از تسخیر قدرت توسط طالبان در سال 1996، هند مجبور شد سفارت و کنسولگری خود در افغانستان را ببندد. تحت رژیم

طالبان، هند هر نفوذ اندکی را که در طول سال‌های جنگ داخلی قبلی حفظ کرده بود، از دست داد. دوران طالبان یک سیاهچاله دیپلماتیک را در تاریخ روابط هند و افغانستان رقم زد (پالیوال، 2015).

اندکی پس از برکناری آنها در اواخر سال 2001، هند، درست مانند غرب به رهبری ایالات متحده، طالبان را نیرویی مصرف شده می‌دانست که ارزش تعامل با آنها را ندارد، حتی زمانی که این گروه در آغاز سال‌های 2005-2006 نشانه‌هایی از احیای خود را نشان داد. در واقع، هند از رفتن طالبان راضی بود و زمانی را برای تجدید روابط دیپلماتیک خود با افغانستان تلف نکرد. بلافاصله پس از اینکه حامد کرزی زمام امور افغانستان را به دست گرفت، جاسوانت سینگ، وزیر امور خارجه وقت هند، برای شرکت در مراسم تحلیف دولت موقت و بازگشایی سفارت هند که در آستانه تصرف کابل توسط طالبان بسته شده بود، به کابل رفت. در سال 1996 هند به عنوان بزرگترین کمک‌کننده منطقه‌ای به افغانستان در دوران پس از 11 سپتامبر ظاهر شد. هند تا اواخر سال 2021 تقریباً 3 میلیارد دلار در پروژه‌های مختلف توسعه و بازسازی در افغانستان هزینه کرده بود. دهلی نو، در تلاش برای ایجاد جایگاهی در افغانستان «جدید»، از استراتژی قلب‌ها و ذهن‌های برنده (WHAM) استفاده کرد و خود را از دخالت در مسائل نظامی مصون نگه داشت. هند روابط دیپلماتیک گرمی با دولت‌های غیرنظامی به رهبری کرزی و اشرف غنی در افغانستان برقرار کرد. در نتیجه سیاست‌های غیرنظامی محور خود، هند برای خود جایگاه ویژه‌ای را از نظر اینکه توسط افغان‌های عادی به عنوان یک همسایه دوست متعهد به صلح و توسعه افغانستان تلقی می‌شود، به دست آورد.

رویکرد قدرت نرم دهلی نو در برابر افغانستان جذاب و در عین حال از نظر ستراتیژیک کوتاه بینانه بود. تا زمانی که جامعه بین‌المللی به رهبری ایالات متحده در افغانستان باقی می‌ماند (از نظر حضور نظامی و کمک مالی به افغانستان)، به نظر می‌رسید که دموکراسی در حال ریشه‌گیری بود و به نظر می‌رسید که دولت افغانستان آماده به دست آوردن شکلی بالغ است. لحظه‌ای که غرب به رهبری ایالات متحده شروع به خروج از افغانستان کرد، ضعف دولت نوپا افغانستان برای همه آشکار شد.

در طول دو دهه گذشته، دهلی نو تخم‌های ضرب‌المثل خود را فقط در یک سبد گذاشته بود و آن سبد متعلق به دولت افغانستان بود. هند منابع دیپلماتیک کافی را برای تعامل با طالبان صرف نکرد، حتی زمانی که ضروری به نظر می‌رسید. دلیل این بی‌میلی ناشی از خصومت تاریخی طالبان علیه هند و حملات مختلفی بود که نیروهای امنیتی و غیرنظامی هند در افغانستان در نتیجه شورش طالبان پس از سال 2001 متحمل شدند. بخشی از این رویکرد ضد طالبان نیز از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که هیچ دولتی در دهلی نو نمی‌خواست در برابر یک گروه افراطی اسلام‌گرا که به دلیل توجه کم به حقوق بشر به طور کلی و حقوق زنان به طور خاص شناخته می‌شود، نرمش نشان داده شود.

عدم تعامل با طالبان در دهه گذشته همواره به این معنی بود که وقتی دولت افغانستان به دلیل کمپین فتح سراسری کشور که توسط طالبان در ماه می تا جولای 2021 راه اندازی شد شروع به فروپاشی کرد، هند بار دیگر با افغانستان دوره طالبان - سال 1996 روبرو شد. قدرت گرفتن طالبان هند را وادار کرد تا سفارت خود در کابل و کنسولگری‌های خود را در سایر نقاط کشور ببندد. کارشناسان و تحلیلگران از مدت‌ها پیش از نیاز به تعامل با طالبان، به ویژه پس از ظهور مجدد طالبان در سال‌های 2005-2006 حمایت می‌کردند. با این حال، نهاد امنیتی و سیاست خارجی در دهلی نو، ترجیح داد روابط دوجانبه را فقط با دولت کابل ایجاد کند و چشم خود را بر این واقعیت بست که هر سال که می‌گذرد (به‌ویژه از سال 2012) حتی ایالات متحده نیز تمرکز بیشتری روی این موضوع می‌گذارد و کمتر در مورد «وسایل نظامی» به عنوان روش عملی‌تر برقراری صلح در افغانستان صحبت می‌کند (گنایی، 2013). در نتیجه کارزار حمله برق‌آسای طالبان در اگست 2021 و متعاقب آن سقوط حکومت اشرف غنی، هند به معنای واقعی کلمه و به صورت استعاری حضور خود را در افغانستان از دست داد.

از آنجایی که طالبان اکنون کنترل کشور را در دست دارند. هیچ جایگزینی برای هند برای به دست آوردن ظاهر ستراتیژیک در افغانستان وجود ندارد، به جز تعامل با طالبان. در این راستا، دهلی نو ظاهراً ابتکارات جدیدی را اتخاذ کرده است که ممکن است مجموعاً مسیر را برای باز کردن کانال‌های رسمی ارتباط بین طالبان و دولت هند هموار کند. سهیل شاهین، سخنگوی طالبان در مصاحبه‌ای خاطر نشان کرد: «هیچ کس نمی‌تواند همسایگان یا منطقه خود را تغییر دهد. ما باید این واقعیت را بپذیریم و شاهین ادامه داد (سوبرامانیان، 2021). این سخنان سخنگوی طالبان در پاسخ به سوالی در مورد جهان بینی هند نسبت به طالبان بیان شد. با توجه به اینکه پدیده طالبان در حال حاضر چقدر قوی است، هند بهتر است با همان منطق (که سخنگوی طالبان اعلام کرد) پیش برود و سعی کند با همسایه (در این مورد افغانستان) تعامل کند، حتی اگر این به معنای تایید ضمنی باشد.

تسلط طالبان بر افغانستان:
راه رو به جلو برای هند ;

☆☆☆

همانطور که در بالا ذکر شد، بازگشت طالبان به عنوان رژیم حاکم بالفعل در افغانستان یک تحول شوم برای هند بشمار میرفت. با توجه به اینکه رویکرد هند در قبال افغانستان از لحاظ تاریخی به عنوان یک پویایی حاصل جمع صفر در برابر پاکستان تلقی شده است، که در آن ضرر برای یک طرف منجر به سود برای طرف دیگر می شود، بازگشت طالبان حاکی از آن است که بازی طرف هند تماماً در برابر پاکستان شکست خورده است. برای به دست آوردن منافع تغییر رژیم در کابل، در حالی که هند با وظیفه دشوار تخلیه ماموریت دیپلماتیک و شهروندان خود از افغانستان دست و پنجه نرم می کرد، احساس سرخوشی بر نهادهای امنیتی و سیاست خارجی پاکستان حاکم بود. واکنش اسلام آباد به تسلط طالبان بر افغانستان در تضاد با ناامیدی در پایتخت های غربی بود. عمران خان، نخست وزیر، جوهر احساس موفقیت در پاکستان را زمانی درک کرد که اظهار داشت: «پیروزی آنها [طالبان] نشان داد که افغان ها «بند بردگی را شکسته اند» (هندو، 2021). پیروزی پاکستان دوباره زمانی به نمایش گذاشته شد که جنرال فیض حمید، رئیس سازمان اطلاعات پاکستان (ISI) از کابل برای دیدار با رهبران ارشد طالبان پیش از تشکیل دولت موقت از کابل بازدید کرد.

جای تعجب نیست که هند از مشاهده این تحولات در افغانستان ناامید شد. اگر سیاست نزدیک بین هند در افغانستان نبود و دهلی نو کانال های ارتباطی با طالبان را باز نمی کرد (زمانی که خود غرب به طور جدی مذاکرات صلح را با آنها دنبال می کرد)، هند در اگست 2021 احساس شکست ستراتژیک نمی کرد. با این حال زمان، نشخوار فکری در گذشته است. موضوع مهم تر این است: چگونه هند می تواند سیاست خود در افغانستان را به گونه ای تنظیم کند که ظاهری از حضور ستراتژیک در افغانستان را با وجود طالبان در قدرت حفظ کند؟ پاسخ ساده است، دهلی نو باید با طالبان در تعامل شود.

دهلی نو در این راستا چند گام قابل توجه برداشته است. هنگامی که ایالات متحده در آستانه تکمیل تخلیه نیروهای خود از کابل بود، شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحت ریاست هند، قطعنامه ای را تصویب کرد که در آن طالبان به عنوان یک بازیگر دولتی به رسمیت شناخته شد (روی، 2021). این به معنای کاهش شانس دهلی نو برای جلب توجه و لطف طالبان است.

خروج عجولانه نیروهای خارجی و بسته شدن همزمان سفارتخانه های غربی در کابل، فصل سختی را برای افغانستان رقم زد که تا آن زمان از حمایت های مالی عظیم غرب برخوردار شده بود. فقدان حمایت غرب، همراه با یک فصل زراعتی ناموفق، اقتصاد افغانستان شروع به فروپاشی کرد و کمبود مواد غذایی به عنوان یکی از چالش های جدی پیش روی رژیم طالبان ظاهر شد. هند با حفظ ستراتژیک غیرنظامی محور چندین دهه خود، هیچ زمانی را برای اعلام کمک های غذایی به افغانستان از دست نداد. هند اعلام کرد که 50000 تن گندم در اختیار افغانستان قرار خواهد داد. در واقع، هند تفاهم نامه ای را با برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد (WFP) برای ترتیب دادن توزیع گندم در افغانستان امضا کرد. هند قبلاً سه محموله گندم (که در مجموع به حدود 6500 تن می رسد) ارسال کرده است. WFP که مقر آن در رم است، کمک هند را "نقطه عطفی" خواند و از دهلی نو به خاطر "کمک سخاوتمندانه گندم در حمایت از مردم افغانستان که با کمبود شدید مواد غذایی روبرو هستند" تشکر کرد (حیدر، 2022). علاوه بر ماهیت انسان دوستانه، کمک های غذایی هند همچنین به منظور ایجاد فرصتی برای دهلی نو برای آغاز تعامل مستقیم خود با رژیم طالبان بود.

ذخایر گندم هند در داخل افغانستان، از جمله از سوی طالبان، قدردانی قابل توجهی دریافت کرد. به عنوان یک اقدام متقابل و مصالحه، طالبان وعده داد که یک محیط امن برای سفارت هند در کابل فراهم کند. برای طالبان، گشایش سفارت هند به معنای گامی رو به جلو برای دیده شدن به عنوان رژیم مشروع در افغانستان است. هر چه کشورها بیشتر با طالبان درگیر تعامل شوند، طالبان مشروعیت بیشتری به دست می آورند.

اگرچه هند هنوز به طور کامل سفارت و کنسولگری خود در افغانستان را بازگشایی نکرده است، دهلی نو تصمیم گرفته است از سنت سال گذشته حمایت مالی از افغانستان پیروی کند. در 1 فیبروری 2022، دهلی نو 100 میلیون تومان اختصاص داد، 200 کرور (حدود 27 میلیون دلار) برای کمک به افغانستان در بودجه مالی 2022-2023. این مبلغ برای پروژه های موجود هند در کشور، بورسیه تحصیلی برای محصلین افغان و کمک به مردم افغانستان پرداخت خواهد شد. فرید ماموندزی سفیر افغانستان در هند از بسته کمک مالی هند قدردانی کرد. ماموندزی با تمجید از کمک های مالی مداوم هند به افغانستان به رغم تسلط طالبان، خاطر نشان کرد که "کمک دهلی نو [سیگنالی است که هند خاموش نمی شود" (هندوستان تایمز، 2022).

د پانو شمیره: له 8 تر 10

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

هند به ارائه غذا، دارو و کمک های مالی به افغانستان ادامه می دهد. در حالی که این ممکن است به هند کمک کند تا حسن نیت خود را در افغانستان در دو دهه گذشته حفظ کند. دهلی نو باید فراتر و فراتر از این اقدامات کمک محرک حرکت کند و سعی کند برای خود یک جایگاه ستراتژیک در افغانستان ایجاد کند. در این راستا، بدتر شدن روابط افغانستان با پاکستان ممکن است نقطه ورود محکمی برای هند باشد. پاکستان در 16 آوریل 2022 حملات هوایی را در ولایت های خوست و کنر در شرق افغانستان آغاز کرد که در نتیجه آن دست کم 47 نفر از جمله زنان و کودکان کشته شدند. طالبان در پاسخ به پاکستان هشدار دادند که چنین حملاتی را در داخل افغانستان انجام دهد. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان پس از حملات هوایی (الجزیره، 2022) گفت: «امارت اسلامی افغانستان به شدت بمباران و حمله ای را که از طرف پاکستان در خاک افغانستان صورت گرفته است، محکوم می کند». «این ظلم است و راه را برای دشمنی بین افغانستان و پاکستان هموار می کند... ما از همه گزینه ها برای جلوگیری از تکرار (چنین حملات) استفاده می کنیم و خواهان احترام به حاکمیت خود هستیم» (الجزیره، 2022). پاکستان نیز به نوبه خود، این حملات را به این دلیل توجیه کرد که این حملات علیه شبه نظامیان تحریک طالبان پاکستان (TTP) هدف قرار گرفته بود. کارشناسان معتقدند که تنش های اخیر بین اسلام آباد و کابل ناشی از "عدم تمایل طالبان برای سرکوب تحریک طالبان پاکستان، متحد ایدئولوژیک و سازمانی نزدیک" است (صدیق، 2022).

در هفته اول ماه جون 2022، یک هیئت رسمی از هند به سرپرستی دبیر مشترک بخش پاکستان، افغانستان و ایران در وزارت امور خارجه، جی پی سینگ، با رهبران ارشد طالبان ملاقات کرد. این هیئت عمدتاً در مورد عملیات تحویل کمک های بشردوستانه هند و مسائل مربوط به تجارت بحث و گفتگو کردند. این تیم همچنین از پروژه های توسعه ای که توسط هند تامین مالی می شوند بازدید کردند. طالبان بار دیگر از طرف هندی خواست تا روابط دیپلماتیک و خدمات کنسولی را در افغانستان بازگرداند. پس از این نشست، پاکستان بار دیگر به صراحت اعلام کرد که اسلام آباد همچنان هند در نقش «ویرانگر» در افغانستان بازی را می کند (حسین، 2022) با وجود ادعاهای پاکستان، روابط کابل با اسلام آباد بدتر شده است. با توجه به این واقعیت که افغانستان هنوز با یک وظیفه دشوار برای مدیریت بحران کمبود غذا، دارو و امکانات صحتی مواجه است، هند می تواند هماهنگ تر وارد عمل شود و پایه های ستراتژیک جدید را تحت حمایت رژیم طالبان قرار دهد. دور ماندن از افغانستان و طالبان هرگز نمی تواند به هیچ سود محسوسی برای هند تبدیل شود. تنها از طریق ایجاد یک رابطه کاربردی با طالبان است که هند می تواند از ناامیدی طالبان از پاکستان استفاده کند و در نتیجه تعادل را به نفع خود تغییر دهد.

نتیجه:

هند انرژی دیپلماتیک و منابع مالی فوق العاده ای را برای توسعه روابط صمیمانه با افغانستان در چندین دهه گذشته صرف کرده است. از زمان سقوط رژیم طالبان در اواخر سال 2001، هند تبدیل به یک ارائه دهنده کمک های مالی و بشردوستانه به افغانستان شده است. اگر دهلی نو برای تعامل با طالبان اقدام لازم انجام ندهد، تمام حسن نیت که هند در دو دهه گذشته در افغانستان به دست آورده است به عنوان مثال، هزاران شهروند افغان که توسط دولت هند برای تحصیل در هند بورسیه تحصیلی دریافت کرده بودند، همچنان از استراتژی دولت هند در افغانستان نا امید هستند. این دانش آموزان نمی توانند به هند بازگردند زیرا نمی توانند ویزا دریافت کنند. در صورت بازگشایی سفارت هند، حتی با ظرفیت محدود، این دانشجویان برای تکمیل تحصیلات خود به هند باز می گردند. در عوض، از طریق مسیر تعامل، هند و یا کشورهای دیگر نیز می توانند در احیای پروسه های توسعه در افغانستان سهیم باشند. تعامل با طالبان همچنین می تواند در آماده سازی زمینه برای یک حکومت گسترده، که جامعه بین المللی آن را رویکردی قابل احترام برای تضمین مشارکت سایر گروه های قومی در فرآیندهای تصمیم گیری در افغانستان می داند، مفید باشد. هند و سایر همسایگان منطقه ای افغانستان باید تلاش کنند تا با طالبان تفاهم ایجاد کنند تا بتوانند تشکیل یک دولت فراگیر را به عنوان ابزاری برای به رسمیت شناختن دیپلماتیک بپذیرند. علاوه بر این، هند باید به صورت فردی و به عنوان بخشی از گروه های منطقه ای مانند سارک و سازمان همکاری شانگهای، تلاش کند تا گفت و گو با طالبان را تسهیل کند تا اهرم کافی برای گنجاندن نمایندگان متعلق به جناح های قومی اقلیت در دولتش اعمال شود. تشکیل یک دولت گسترده و فراگیر در افغانستان بخش مهمی از اعلامیه مشترک صادر شده در پایان نشست سازمان همکاری شانگهای که در ازبکستان در تاریخ 15 تا 16 سپتامبر 2022 در ازبکستان برگزار شد را تشکیل می دهد. در این راستا، هند باید با سایر موارد مشابه همکاری کند. کشورهای قومی که فکر می کنند تا چارچوب منطقه ای برای تعامل با رژیم طالبان ایجاد شود تا افغانستان از سقوط در مرحله دیگری از درگیری و آشفتگی مصون بماند.

یادداشت :

- اصطلاح «مجاهدین» در اینجا به تمام گروه‌هایی اطلاق می‌شود که مجموعاً انگیزه‌ی اخراج نیروهای شوروی از افغانستان را داشتند و به درجات مختلف، توسط نهاد امنیتی پاکستان تأمین مالی و هدایت می‌شدند. با این حال، نه تنها پاکستان، بلکه ایران نیز برخی از گروه‌های مجاهدین را تأمین مالی می‌کرد.

نواز شریف، نخست وزیر وقت پاکستان، در تلاش برای پایان دادن به درگیری‌های داخلی مرگبار بین جناح‌های مختلف مجاهدین، به میانجی‌گری یک توافق صلح موسوم به توافق پیشاور، که یک رژیم تحت رهبری مجاهدین را در کابل مستقر کرد، کمک کرد. این توافق در اواخر اپریل 1992 امضا و ابلاغ شد.

- معاهده بن مجموعه‌ای از توافقاتی است که به منظور استقرار دولت انتقالی در افغانستان صورت می‌گرفت. این در واقع به معنای ایجاد یک دولت در افغانستان به دلیل خلاء ایجاد شده توسط سرنگونی رژیم طالبان بود.

- خروج نیروهای امریکایی از اوایل سال 2012 آغاز شده بود. خروج تمام نیروهای امریکایی در 30 اوت 2021 تکمیل شد.

هند در ماه مارچ 2020 کنسولگری‌های خود را در جلال‌آباد و هرات به دلیل افزایش تهدیدات امنیتی بسته بود. در دولت اوباما، «گفتگو با طالبان» بخشی از سیاست رسمی ایالات متحده در قبال افغانستان شد. با وجود اینکه اوباما در سال 2011 دستور افزایش نیروها را صادر کرده بود، اما در همان زمان، نیاز به تعامل با طالبان از طریق مذاکره را تشریح کرد. اوباما در مورد لزوم پیگیری مذاکرات با طالبان خاطر نشان کرده بود که صلح در افغانستان تا زمانی که «آشتی میان دشمنان سابق» صورت نگیرد، دست نیافتنی باقی خواهد ماند.

«تعامل» در اینجا به معنای اعطای به رسمیت شناختن دیپلماتیک کامل به طالبان نیست. تعامل به عنوان یک مقوله تحلیلی به روند باز کردن کانال‌های ارتباطی با طالبان اشاره دارد. این یک رویکرد احتیاط محور است که به موجب آن هر دو کشور می‌توانند اهداف اولیه را در مقابل یکدیگر به انجام برسانند (نگاه کنید به پالیوال، 2015).

تنها چین و روسیه رای ممتنع دادند. مابقی 13 عضو شورای امنیت به این قطعنامه که توسط فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده حمایت شده بود، رأی مثبت دادند. این قطعنامه همچنین به شدت هشدار داد که نمی‌توان از خاک افغانستان به عنوان پناهگاه امن تروریسم استفاده کرد.

- در اواخر جون 2022، هند تصمیم گرفت سفارت خود در کابل را با اعزام یک «تیم فنی» برای احیای حضور دیپلماتیک هند در این کشور بازگشایی کند. این گام به‌عنوان پیش‌نمایش برای استقرار حضور دیپلماتیک کامل هند در افغانستان در نظر گرفته می‌شود. همچنین به عنوان یک تغییر عمده در موضع قبلی هند مبنی بر عدم تعامل با طالبان دیده می‌شود.

با تقدیم احترام